

# کتاب دانیال - شماره یکصد و هشتاد و چهار

سبت و تجسد: سنگ‌بناهای فرایند مهرگذاری میلریتی‌ها

Jeff Pippenger

2024-04-14

آزمون نهایی برای نسل پیروان میلر، که در فرایند آزمون ناکام ماند، در سال ۱۸۵۶ با رسیدن نور بیشتری درباره «هفت زمان» باب بیست‌وششم لاویان آغاز شد. از ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۳، پیام لاودیکه آخرین بازه زمانی دوره‌ای را که با آمدن فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شده بود، مشخص کرد. آن بازه زمانی با آیات سیزده تا پانزده باب یازدهم کتاب دانیال نمایانده می‌شود.

آن دوره زمانی نه تنها به وسیله آن آیات، بلکه همچنین به وسیله تاریخی که آن آیات را تحقق بخشید، و نیز به وسیله گواهی جغرافیایی پانیوم، که همان قیصریه فیلیپی است، به تصویر کشیده شده است. مسیح اندکی پیش از صلیب عمداً به قیصریه فیلیپی رفت، و صلیب نمایانگر قانون روز یکشنبه است که آیه شانزدهم آن را نشان می‌دهد. در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، شیر قبیله یهودا آموزه سبت را در نوری ویژه آشکار ساخت. سپس در پایان آن فرایند آزمون، او افزایش معرفت درباره «هفت زمان» را معرفی کرد، و «هفت زمان» لاویان فصل بیست‌وششم آموزه‌ای درباره سبت است. این همان حکم سبت درباره استراحت زمین است که همتای مستقیم حکم سبت درباره استراحت انسان‌هاست. نبوت زمانی دوهزار و پانصد و بیست سال و دوهزار و سیصد سال، هر دو در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسید.

دوره پایانی فرایند آزمون، از ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۳، مکاشفه‌ای بزرگ‌تر از سبت بود؛ سبتی که در آغاز فرایند مهر شدن و آزمون در نوری ویژه قرار داده شده بود. تاریخی که تحقق آیات سیزده تا پانزده فصل یازدهم دانیال آن را نمایان می‌کند، دوره آزمونی را نشان می‌دهد که در آن مهر خدا برای ابد بر یکصد و چهل و چهار هزار نقش می‌بندد. در آن تاریخ، دو چوب حزقیال به هم می‌پیوندند. پیوستن آن دو چوب نمایانگر اتحاد الوهیت و انسانیت است، و آموزه‌ای که در آن تاریخ در نوری ویژه می‌درخشد، آموزه تجسد است.

به همین دلیل، هنگامی که پطرس در قیصریه فیلیپی مسیح را پسر خدا دانست، در واقع اذعان داشت که مسیح، به‌عنوان پسر خدا، نمایانگر دو طبیعت خویش بود: او پسر الهی خدا بود که بر خود جسم انسانی گرفت و بدین‌سان پسر انسان شد.

هنگامی که شاگردان نبوت‌هایی را که درباره مسیح شهادت می‌دادند می‌کاویدند، به مشارکت با الوهیت راه یافتند و درباره او که به آسمان صعود کرده بود تا کاری را که بر زمین آغاز کرده بود به کمال رساند، آموختند. دریافتند که در او دانشی ساکن است که هیچ انسانی، بدون مدد الهی، توان درک آن را ندارد. آنان به کمک او نیاز داشتند؛ همان که پادشاهان و انبیا و پارسایان آمدنش را پیشگویی کرده بودند. با شگفتی، توصیفات نبوی شخصیت و کار او را می‌خواندند و باز می‌خواندند. چه مبهم متون نبوی را درک کرده بودند! و چه کند بودند در دریافت آن حقایق عظیم که به مسیح شهادت می‌دادند! چون او را در فروتنی‌اش می‌نگریستند، آنگاه که چون انسانی در میان انسان‌ها گام می‌زد، راز تجسد او، یعنی دوگانگی طبیعتش، را دریافته بودند. چشمانشان پرده افتاده بود، به‌گونه‌ای که نتوانستند الوهیت را در انسانیت به تمامی بازشناسند. اما پس از آن که به وسیله روح‌القدس روشنایی یافتند، چه اشتیاقی داشتند که بار دیگر او را ببینند و خود را بر پاهایش بیفکنند! اشتیاق اعصار، ۵۰۷.

از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳، نمایانگر زمان مَهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر است. آن دوره یا برجسته شدن سبت به عنوان حقیقت ویژه در میان بسیاری از حقایقی که در دوره مهر شدن از مهر و موم خارج می‌شوند، آغاز شد. آن دوره آغازگر نواخته شدن کرنای هفتم بود که مشخص می‌کند راز خدا چه زمانی قرار بود به پایان برسد.

لیکن در ایام آواز فرشته هفتم، هنگامی که به دمیدن آغاز کند، سرّ خدا، چنان‌که آن را به بندگان خود، یعنی پیامبران، اعلام کرده است، به انجام خواهد رسید. مکاشفه ۱۰:۷.

فرشته هفتم همچنین سومین «وای» است، زیرا مَهر کردن در دوره‌ای از تاریخ انجام می‌شود که نبردهای اسلامی در جریان است. اگر ادونتیسیم میلری در دوره پس از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ وفادار مانده بود، قدرت اسلامی که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ مَهار شده بود، رها می‌شد.

اگر ادونتیسیت‌ها پس از ناامیدی بزرگ سال ۱۸۴۴ بر ایمان خود استوار می‌ماندند و در مشیت مکشوف خدا یکدلانه پیش می‌رفتند، پیام فرشته سوم را می‌پذیرفتند و با قدرت روح‌القدس آن را به جهان اعلام می‌کردند، نجات خدا را می‌دیدند؛ خداوند نیرومندان در کنار تلاش‌هایشان عمل می‌کرد، کار به انجام می‌رسید و مسیح پیش از این آمده بود تا قوم خود را برای دریافت پاداش‌شان بپذیرد. اما در دوره شک و عدم قطعیتی که پس از آن ناامیدی پیش آمد، بسیاری از ایمانداران ظهور از ایمان خود دست کشیدند... بدین‌سان کار دچار وقفه شد و جهان در تاریکی رها گردید. اگر تمام بدنه ادونتیسیت بر احکام خدا و ایمان عیسی یکدل می‌شد، تاریخ ما تا چه اندازه متفاوت می‌بود! بشارت، ۶۹۵.

در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ شیپور هفتم به صدا درآمد و شیپور یوبیل نیز به صدا درآمد.

و تو هفت سبت سال‌ها برای خود بشماری، هفت بار هفت سال؛ و مدت هفت سبت سال‌ها برای تو چهل و نه سال خواهد بود. سپس در دهمین روز ماه هفتم، در روز کفاره، شیپور یوبیل را به صدا درآوری؛ شیپور را در تمام سرزمین خود به صدا درآورید. و سال پنجاهم را تقدیس کنید و آزادی را در تمام سرزمین برای همه ساکنان آن اعلام کنید؛ این سال برای شما یوبیل خواهد بود؛ و هر کس به ملک خود بازگردد و هر کس نزد خاندان خود بازگردد. لاویان ۸: 25-10.

هنگامی که زمان مَهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار آغاز می‌شود، شیپوری هست که نشان می‌دهد نبردی که به دست اسلام به انجام رسیده فرارسیده است، و شیپوری که آزادی را برای آنان که بردگان گناه بوده‌اند اعلام می‌کند. یکی از شیپورها تاریخ بیرونی را مشخص می‌کند، و دیگری تجربه درونی آن قوم عهد روزهای آخر را نمایندگی می‌کند. اسارت آنان وقتی برطرف می‌شود که انسانیتشان برای ابدیت با الوهیت او پیوند بخورد. خط بر خط، آن دو شیپور یک شیپورند، زیرا شیپور یوبیل تنها در روز کفاره نواخته می‌شود، و روز کفاره زمانی آغاز می‌گردد که هفتمین شیپور وای سوم به صدا درآید. آموزه‌ای که هر دو شیپور را در جنبش میلری نمایندگی می‌کرد، نور سبت بود. نوری که در این روزهای آخر هر دو شیپور را نمایندگی می‌کند، آموزه تجسد است. خط بر خط، سبت و آموزه تجسد یک آموزه‌اند.

اقرار پطرس، مسیح را و نیز پسر خدا را شناساند. مسیح پسر خداست. مسیح خالق است که سبت نمایانگر اوست.

«پولس هرگز در دوران زندگی زمینی مسیح او را ندیده بود. او البته درباره مسیح و کارهایش شنیده بود، اما نمی‌توانست باور کند که مسیح موعود، آفریننده همه جهان‌ها و بخشنده همه برکات، بر زمین به صورت صرفاً یک انسان ظاهر شود.» طرح‌هایی از زندگی پولس، ۲۵۶.

سبت خالق را معرفی می‌کند و خالق همان مسیحی بود که پطرس او را شناسایی کرد. پسر خدا، همان که پطرس او را شناسایی کرد، همان کسی است که با جسم انسانی متحد شد تا پسر انسان شود. پسر خدا نمایانگر تجسد است.

مسیح به مردان و زنان توان‌غلبه بخشید. او به صورت انسانی به این جهان آمد تا چون انسانی در میان انسان‌ها زندگی کند. او لوازم و تبعات طبیعت انسانی را بر عهده گرفت تا آزموده و امتحان شود. در انسانیت خود سهم طبیعت الهی بود. در تجسد خویش، به معنایی تازه، لقب پسر خدا را به دست آورد. فرشته به مریم گفت: «قدرت بلندمرتبه‌ترین بر تو سایه خواهد افکند؛ بنابراین آن قدوس که از تو زاده خواهد شد پسر خدا خوانده خواهد شد» (لوقا ۱:۳۵). با آنکه پسر یک انسان بود، در معنایی تازه پسر خدا شد. بدین‌سان او در جهان ما ایستاد—پسر خدا، و با این حال به واسطه تولد با نوع بشر پیوند یافته. پیام‌های برگزیده، کتاب ۱، ۲۲۶.

در قیصریه فیلیپی، اعتراف دوگانه پطرس نماد آن صد و چهل و چهار هزار نفری بود که درمی‌یابند عیسی، مسیح و پسر خداست، و آموزه سبت، که در سال ۱۸۴۴ روشن شد، به همراه آموزه تجسد، که در ایام آخر شناخته می‌شود، را می‌شناسند. نور حقیقت دوگانه در آغاز و پایان دوران مهر کردن آشکار می‌شود، چنان‌که تاریخ مهر کردن از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ و نیز تاریخ دو صدای باب هجدهم مکاشفه بر آن گواهی می‌دهند.

در هر دو، هم خط میلیری فرایند مهر شدن و هم خط نبوتی مهر شدن در مکاشفه هجده، در پایان دوره آزمونی هست که در آن یک طبقه به صورت باکره‌های نادان آشکار می‌شوند، چنان‌که در سال‌های ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۳ بود، و طبقه‌ای به صورت باکره‌های دانا از ژوئیه ۲۰۲۳ تا قانون یکشنبه قریب‌الوقوع ظاهر می‌شود. آن دوره نهایی امتحان، آغاز دوره را تکرار می‌کند. همان فرشته‌ای که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نازل شد، در ۲۰۲۳ به عنوان میکائیل می‌آید تا مردگان را به حیات فراخواند: برخی را به حیات جاودان و برخی را به مرگ جاودان. وقتی می‌رسد، قوم خود را به بنیادها بازمی‌گرداند. برخی از راه رفتن در راه‌های کهنه سر باز می‌زنند، برخی در همان راه‌های کهنه گام می‌زنند. برخی به صدای شیپور گوش می‌سپارند، برخی از شنیدن امتناع می‌ورزند.

خداوند چنین می‌فرماید: در راه‌ها بایستید و بنگرید، و راه‌های دیرین را بجوید که راه نیکو کدام است، و در آن گام بردارید تا برای جان‌های شما آرامی بیابید. اما گفتند: در آن راه نخواهیم رفت. همچنین بر شما نگرهبانانی گماشتم و گفتم: به آواز شیپور گوش فرا دهید. اما گفتند: گوش فرا نخواهیم داد. ارمیا ۶:۱۶، ۱۷.

پیامی که شیپوری که نگرهبانان در آن می‌دمند بیان می‌کند، دو وجه دارد. این همان شیپور هفتم اسلام و شیپور یوبیل رهایی است. این پیام، پیام ترکیب الوهیت با انسانیت است که به واسطه راز تجسد تحقق می‌یابد و شخصیتی پدید می‌آورد که برای مهر خدا، که همان سبت است، آماده است. پیام، کار و اوضاع و احوال مرتبط با آن دوره نهایی مهر کردن که در ژوئیه ۲۰۲۳، بیست و دو سال پس از ۲۰۰۱، آغاز شد، با آیات سیزده تا پانزده باب یازدهم دانیال و نیز با دیدار مسیح از قیصریه فیلیپی در باب شانزدهم متی نمایانده می‌شوند.

در مثل ده باکره، همه باکره‌ها در زمان تأخیر به خواب رفتند. عیسی به شاگردان خود گفت که لعازر خوابیده است.

این سخنان را گفت؛ و پس از آن به ایشان گفت: دوست ما لعازر خفته است؛ اما من می‌روم تا او را از خواب بیدار کنم. آنگاه شاگردانش گفتند: خداوندا، اگر او خوابیده است، بهبود خواهد یافت. اما عیسی از مرگ او سخن می‌گفت؛ ولی آنان پنداشتند که از آسودن در خواب سخن می‌گوید. آنگاه عیسی به صراحت به آنان گفت: لعازر مرده است. یوحنا ۱۱:۱۰-۱۴.

در پایان بیست و یک روز، دانیال رؤیا را دید و در خوابی عمیق بود.

و من، دانیال، تنها مکاشفه را دیدم؛ زیرا مردانی که با من بودند آن مکاشفه را ندیدند؛ اما لرزه‌ای بزرگ بر آنان افتاد، چنان‌که برای پنهان شدن گریختند. پس من تنها ماندم و این مکاشفه عظیم را دیدم، و هیچ نیرویی در من باقی نماند؛ زیرا رونق چهره‌ام در من به تباهی مبدل شد و دیگر توانی نداشتم. با این همه، صدای سخنان او را شنیدم؛ و چون صدای سخنان او را شنیدم، بر روی خود به خوابی ژرف فرو رفتم و رخساره‌ام رو به زمین بود. دانیال ۷:۱۰-۹.

دو شاهد باب یازدهم مکاشفه برای سه روز و نیم در خیابان مرده بودند، و استخوان‌های مرده حزقیال در دره بودند. در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، زمان درنگ مرگ و خواب روحانی بر دوشیزگان جنبش فرشته سوم حاکم شد. سه سال بعد، فرایند بیداری و آماده‌سازی قوم روزهای آخر خدا به‌عنوان نشان او و سپاه نیرومندش آغاز شد. فرشته‌ای که در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ فرود آمد، مهر حقیقتی را گشود، چنان‌که فرشتگان همیشه وقتی فرود می‌آیند انجام می‌دهند.

حقیقتی که او آشکار کرد، تجربه‌ی زمان انتظار و نخستین ناامیدی بود. در آن زمان، قوم روزهای آخر خدا پراکنده شده بودند، و هنگامی که فرایند بیدار کردن آنان در تاریخ فرا رسید، می‌بایست تشخیص دهند و اذعان کنند که پراکنده شده‌اند و در زمان انتظار به سر می‌برند. آنگاه فرشتگان بسیاری، یا پیام‌های بسیاری، فرستاده شدند تا پیام زمان انتظار را تقویت کنند.

نزدیک پایان پیام فرشته دوم، دیدم که نوری عظیم از آسمان بر قوم خدا می‌تابید. پرتوهای این نور همچون خورشید درخشان می‌نمودند. و صدای فرشتگانی را شنیدم که ندا می‌دادند: «اینک، داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون آیید!»

این همان ندای نیمه‌شب بود که می‌بایست به پیام فرشته دوم قدرت ببخشد. فرشتگانی از آسمان فرستاده شدند تا قدیسان دلسرد را بیدار کنند و آنان را برای کار عظیمی که پیش رو داشتند آماده سازند. مستعدترین مردان نخستین کسانی نبودند که این پیام را دریافت کردند. فرشتگان نزد فروتنان و وقف‌شدگان فرستاده شدند و آنان را واداشتند تا ندا دهند: «اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید!» آنان که این ندا به ایشان سپرده شده بود شتافتند و با قدرت روح‌القدس پیام را اعلام کردند و برادران دلسرد خود را برانگیختند. این کار بر حکمت و دانش انسان‌ها استوار نبود، بلکه بر قدرت خدا؛ و قدیسان او که آن ندا را شنیدند نتوانستند در برابرش مقاومت کنند. روحانی‌ترین‌ها ابتدا این پیام را دریافت کردند، و آنان که پیش‌تر در این کار پیشگام بودند آخرین کسانی بودند که آن را دریافت کردند و برای تقویت ندا یاری رساندند: «اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید!»

در سراسر سرزمین، نور بر پیام فرشته دوم تابید و آن ندا دل‌های هزاران نفر را نرم کرد. این ندا از شهری به شهری دیگر و از روستایی به روستایی دیگر رفت تا آن‌که قوم منتظر خدا کاملاً برانگیخته شدند. در بسیاری از کلیساها اجازه نمی‌دادند که آن پیام اعلام شود، و گروه بزرگی که شهادت زنده داشتند این کلیساهای سقوط‌کرده را ترک کردند. کار عظیمی به‌وسیله ندای نیمه‌شب به انجام رسید. این پیام دل‌ها را می‌کاوید و ایمانداران را وامی‌داشت تا برای خود تجربه‌ای زنده بجویند. آنان می‌دانستند که نمی‌توانند بر یکدیگر تکیه کنند. نوشته‌های نخستین، ۳۳۸.

فرارسیدن پیام فریاد نیمه‌شب در مثل مشخص می‌کند که چه زمانی دو دسته دوشیزگان آشکار می‌کنند که آیا روغن دارند یا نه. حکیمان روغن دارند و جاهلان ندارند. این مثل در تاریخ جنبش میلرایت به‌وسیله کار ساموئل اسنو تحقق یافت، و در همان کار، پیامی که اسنو ارائه کرد مطابق آنچه مقالات او در نشریات میلرایت آن دوره نشان می‌داد، توسعه یافت. سپس، هنگامی که او به گردهمایی

اردوگاهی اگزتر رسید— که از 12 تا 17 اوت 1844 برگزار شد— دوره‌ای نیز نمایانده می‌شود که در نهایت باعث شد حاضران گردهمایی را ترک کنند و پیام را اعلام کنند.

یک "نقطهٔ زمانی" وجود دارد که در آن پیام "فریاد نیمه‌شب" به‌طور کامل تثبیت می‌شود و در همان نقطه، بر اساس مثل، مهلت برای دوشیزگان بسته می‌شود. آن "نقطهٔ زمانی" مسبق به "دوره‌ای" است که در آن پیام در حال شکل‌گیری است. از ژوئیهٔ ۲۰۲۳ پیام فریاد نیمه‌شب در حال توسعه بوده است و برخلاف تحقق آن در جنبش میلری، این پیام پیشاپیش "بسته شدن مهلت" در سراسر جهان منتقل شده است. هنگامی که در پایان اجتماع اکستر مهلت بسته شد، آنگاه پیام به "هر بخش از سرزمین" رفت و "بر پیام فرشته دوم نوری داده شد، و آن فریاد دل‌های هزاران نفر را نرم کرد. از شهری به شهری، و از روستایی به روستایی می‌رفت تا آنکه قوم منتظر خدا کاملاً بیدار شدند."

در مقطع کنونی از تاریخ ما، پیامی که انتشارش از ژوئیهٔ ۲۰۲۳ آغاز شد اکنون به صد و بیست کشور در سراسر جهان رسیده است، و مقالاتی که نمایانگر توسعهٔ پیام ندای نیمه‌شب‌اند به بیش از شصت زبان در دسترس‌اند، و این مقالات را می‌توان هم خواند و هم به آن‌ها گوش داد.

مکاشفهٔ عیسی مسیح، که خدا به او داد تا به بندگان خود آنچه را که به‌زودی باید واقع شود نشان دهد؛ و آن را به‌وسیلهٔ فرشتهٔ خود به بندهٔ خویش یوحنا فرستاد و آن را به او اعلام کرد؛ که بر کلام خدا و شهادت عیسی مسیح و هرآنچه دید شهادت داد. خوشا به حال کسی که می‌خواند و آنان که سخنان این نبوت را می‌شنوند و آنچه در آن نوشته شده نگاه می‌دارند؛ زیرا زمان نزدیک است. مکاشفه ۱:۳۱.

روشنی این پیام، چنان‌که در قالب مقالات نمایان شده، طی تقریباً شش ماه توسط دو نفر تحقق یافته است.

«اگر کسانی که می‌توانند در - یاری کنند به حس و وظیفهٔ خود برانگیخته نشوند، وقتی فریاد بلند فرشتهٔ سوم شنیده شود، کار خدا را تشخیص نخواهند داد. وقتی نور منتشر می‌شود تا زمین را روشن سازد، به‌جای آن‌که برای یاری خداوند برخیزند، می‌خواهند کار او را محدود کنند تا با افکار تنگ‌نظرانه خود سازگار شود. بگذارید به شما بگویم که خداوند در این کار نهایی به شیوه‌ای بسیار بیرون از روال معمول امور عمل خواهد کرد و به روشی که مخالف هرگونه برنامه‌ریزی انسانی است. در میان ما کسانی خواهند بود که همیشه خواهند خواست کار خدا را در اختیار بگیرند، و حتی دیکته کنند چه حرکت‌هایی باید انجام شود، آن‌گاه که کار زیر هدایت آن فرشته که در رساندن پیامی برای جهان به فرشتهٔ سوم ملحق می‌شود پیش می‌رود. خدا راه‌ها و وسایلی به کار خواهد گرفت که به‌واسطهٔ آن‌ها دیده خواهد شد که زمام امور را خود به دست می‌گیرد. کارگزاران از وسایل ساده‌ای که او برای تحقق بخشیدن و کامل کردن کار عدالت خود به کار خواهد گرفت شگفت‌زده خواهند شد.» شهادت‌ها برای خدمتگزاران، ۳۰۰.

شیر قبیلهٔ یهودا اکنون قوم روزهای آخر خود را به آیات سیزده تا پانزده باب یازدهم کتاب دانیال رسانده است و تاریخی را که نمایانگر دورهٔ ۲۰۰ پیش از میلاد تا ۶۳ پیش از میلاد است می‌گشاید، و همچنین باب شانزدهم متی و تاریخ دیدار مسیح از قیصریهٔ فیلیپی را می‌گشاید. هم پیشگویی‌ها و هم تاریخ تحقق آن‌ها با آن بخش از کتاب دانیال که تا روزهای آخر مهر و موم شده بود، همخوانی دارند. کتاب‌های دانیال و مکاشفه یک کتاب‌اند، بنابراین در روزهای آخر، درست پیش از بسته‌شدن فرصت، مهر مکاشفهٔ عیسی مسیح گشوده می‌شود، و آن مکاشفه آن بخش از دانیال را که به روزهای آخر مربوط است در بر می‌گیرد. وقت خاتمهٔ گردهمایی اردوگاهی اکستر نزدیک است.

و به من گفت: سخنان نبوت این کتاب را مهر مکن، زیرا زمان نزدیک است. آن‌که ستمکار است، بگذار همچنان ستمکار بماند؛ و آن‌که پلید است، بگذار همچنان پلید بماند؛ و آن‌که عادل است،

بگذار همچنان عادل بماند؛ و آن که مقدس است، بگذار همچنان مقدس بماند. مکاشفه یوحنا ۱۰:۲۲،  
۱۱.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

اینک ایام می‌آید، خداوندگار یهوه می‌فرماید، که در این سرزمین قحطی‌ای خواهیم فرستاد، نه قحطی نان و نه تشنگی آب، بلکه قحطی شنیدن کلام خداوند. و از دریا تا دریا سرگردان خواهند شد، و از شمال تا مشرق، این سو و آن سو خواهند دوید تا کلام خداوند را بجویند، اما آن را نخواهند یافت. در آن روز، دوشیزگان زیبا و جوانان از تشنگی بی‌حال خواهند شد. آنان که به گناه سامره سوگند می‌خورند و می‌گویند: «ای دان، خدای تو زنده است»، و «طریق بئرشیع زنده است»، همانان فرو خواهند افتاد و دیگر هرگز برنخواهند خاست. عاموس 8:11-14.